

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: استاد مگر اصالت با روح و من نیست؟! و تن در اختیار من نیست؟! پس چطور بایست وقتی دچار بیماری روحی می شویم دارو و قرص مصرف کنیم؟ شما این رویه مرسوم روانپزشکی که هر نوع مشکل روحی را با قرص می خواهند درمان کنند چقدر قبول دارید؟! مثلاً شخصی که دچار عارضه افسردگی یا شیدایی شده چطور بایست درمان شود؟! خوردن قرص رو تأیید می کنید در حالی که بعض تحقیقات و اساتید طب سنتی می گویند قرص در هر حال ضرر دارد؟! چطور می توان از قرص رها شد؟! یعنی دستوری غیر طب روز هست برای چنین مواردی؟! مگر در چنین شرایطی مشکل از روح نیست؟! پس دارو چه ربطی به من دارد؟! در صدر اسلام برای چنین مشکلاتی اهل بیت چه دستوری می دادند؟! و حال دستور اسلام چیست!؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: رابطه‌ی روح و بدن طوری است که بعضاً روح به جهت مشکلاتی که در ارگانیسم بدن به وجود آمده و نتوانسته است بدن را تدبیر کند به مشکل می‌افتد. در این مورد اگر داروی مناسبی در میان باشد که با آماده‌کردن بدن برای تدبیر روح مفید افتد، نباید از آن دارو چشم‌پوشی کرد. موفق باشید